گفت که نصف اول از فاتحه برافامت اشتمال دارد و آن از معنی وحیدت الوهیت در بوبیت و ما کنیه فهم توان کرد و نصف ثانی
به استعانت اشارت که آن مرکبا طلب هدایت بطریقی خاص و ضمنا استدعاء اندراج در سلک خواص نیاز و برون از شرعا
وین انحصار و اصطناع و اختصاص و اسط رابطه است میان فیض و استعانت و فایده و استفاده اگرچه رحمت کران ندارد و اما نهایه جلیش
موج نی آرد بیت از ما طلب نیاز کردن : وز حق در فیض باز کردن : از ما ره بندگی سپردن : وز وی رقم خطا ستردن : از ما
سوی ره قدم نهادن وز حق سوی خویش راه دادن وز دو محققان مدار ایجاد و اظهار بر فاعلست و قابل ارتباط این الطرفین یعنی
قاعدهٔ ایجاد متضمن سر تثلیث بر وجه شامل آن ربط کامل باشد میان مقدمتین فاعل و قابل و از اینجاست که بنا انتاج بر حد وسط
تکرار اوسط واقع شده و تکرار مخل بوحدت نیست مرحد اوسط را چنانچه در نقد النصوص شروح فصوص آورده است پس اگر عارفی از روی تحقیق
در مقدمتین فاعل و قابل از اینجاست و ذکری که از ثنای مبادی و دعای خواتیم سورهٔ ام القرآن روشن است تاملی نماید و بدیده
انصاف بآیهٔ وسط که با تکرار ایاک بزبان اشارت از تکرر حد اوسط خبر میدهد نظر فرماید هرآینه نتیجه معرفت … اینی و این …
پرا و ظاهر گردد و در تعریف سورة السر ایمائی در این معنی هست و در حریم این نکته جز محرمان سراپردهٔ لاهوت را بار نیست …
نشینان و ایران نامی سوت را با مشاهدهٔ این انوار کار نه بیت عشق میداند زروی زرد اشک گرما : قدر زر زرگر شناسد قدر
جوهر جوهری : در تفسیر کبیر آورده که اسم مهات عبد استتار … بمعرفت ربوبیت و عبودیت و هر کرا ربوبیت شناسد …
حق عبودیت بجای آرد و این وفای بندگیست و چون کسی لوازم عبودیت مرعی دارد و فیض مثوبات آنحضرت ربوبیت بدو رسد
و این وفای خداوندیست قوله اوفوا بعهدی اوف بعهدکم پس این سوره را منتصف گردانیدند تا نصفی از محامد ربوبیت
مؤدی گردد و در نصفی شعر اعبودیت و معنویست و بعضی نکته بینی و این عبدی اشارت بسر حد قدر داشته اند و هم در این اصل
شمه از آن رقم ذکر خواهد یافت وصل درین آیه عدول کرده از غیبت بخطاب و این نوع را در علم بلاغت التفات گویند
و التفات در لغه و انگریستن باشد و باصطلاح بلغا نزد جمهور تعبیر است از معنی بیکی از طرق ثلثه که غیبت و خطاب و تکلم باشد
بعد از انکه تعبیر کرده باشند از ان معنی بیکی دیگر از ان طرق چنانچه از غیبت بخطاب یا تکلم روند و بعکس آن یا از خطاب بتکلم آیند
و علی العکس و نزدیک صاحب مفتاح اعم است از انکه نقل از یکی ازین طرق ثلثه باشد بدیگری یا از مقتضای ظاهر که مقتضی یکی ازین طرق
باشد نقل کنند باسلوب دیگر و از اینجاست که حضرت علامة العلماء روح الله روحه در مختصر تلخیص میفرماید که التفات
نزد سکاکی بتعبیر واحد متحقق شود و نزدیک قوم بیک تعبیر تحقیق پذیر نیست پس التفات قوم بمذهب سکاکی التفات باشد
بر غیر عکس و وجه حسن التفات بر وجهی که صاحب کشاف بیان کرده آنست که نقل کلام از اسلوبی باسلوبی نشاط سامع را
تازه گرداند و برای اصغای آن سخن بسته باشد چه طبع آدمی از استماع یک نوع سخن ملول میشود و چون کلام از نوع
بنوعی انتقال یافت موجب تنشیط خاطر مستمع گردد و بار دیگر نشاط سماع از سر گیرد و این فایده عامست و شامل همه التفات
باز هر التفاتی را در هر موقعی فایدهٔ مختصری باشد چنانچه درین آیه چون بنده باری تعالی را حمد و ثنا گفت و باوصاف کمال و نعوت

جلال

جلال ذکر یافت خود را در میان شهود دیده بلغوت عنان کلام از غیبت بخطاب گردانید بیت مرحبا مرحبا که با تو مراد از جهت
دوری از میان برخاست : و توضیح این سخن چنانست که چون بنده عطای مولای خود دانست که اختصاص او است بنفس ناطقه
و بدنی مشتمل بر قوای حواس و سایر نعمتها از منافع دنیویه و اخرویه نزد او ثابت شد که سزاوار حمد و ثنا جز او نیست پس با جان و مقال
صادق و زبانی با دل در صدق مصفا موافق کلمه الحمد لله ادا نموده و از الف لام الحمد استغراق محامد برای وی و از لام لله اختصاص ثنا
و ستایش وی معلوم نمود هرآینه درین وقت از نفس خود دریابد که اقبال توجه بچنین حضرتی که همه نعمتها از دست و جای حمد با او
لازمست چون از فحوای رب العالمین بر خاطرش گذشت که مربی همه او است در ملک و ملکوت هیچکس از حیطه تربیت ربوبیت
او خارج نیست آن محرک که او را بتوجه میفرمود قوی تر شد و عزمش بر سلوک منهاج رجوع بجناب کبریا راسخ تر گشت و چون از حکم
از مضمون الرحمن الرحیم فهم کرد که تربیت حق بر عالمیان از محض رحمت است در دنیی و در آخرت آنست که منعم بانواع نعم از جلایل
دقایق آن تعلق بدنیی و عقبی و صورت و معنی از دادست قوت آن محرک متضاعف شده و داعیهٔ توجه روی باز دیاد نهاد بلکه
قدم صدق او بسیر طریق اقبال علی الله او را بمنزل قرب نزدیک گردانید باز چون بتامل در مفهوم مالک یوم الدین برادر و شنید
که در آخرت نیز جز رحمت او دستگیری نخواهد بود که پادشاه و خداوند آن روز او است و بس در مجلای حقیقت محرک بنهایت رسید و رجا
شنا از اتصال لفظ مبدا ربوبیت ضبط منتهی نکته تا تمام پیوست داعی توجه تام بعزم کامل در او از دید خلق بشهود حق رسانید
و جذبهٔ تقرب ربانی بحکم من تقرب الی شبرا تقربت الیه ذراعا از پس پردهٔ غیبتش بفضای صحرای خطاب کشید لاجرم بر وجه
خضوع و خشوع صورت عبودیت و مناجیه خود را بموقف عرض میرساند ایاک نعبد و ایاک نستعین بیت ما هیم بحضرت تو …
صد نیاز : ای عشق چاره ساز جگر سوز و جانگداز : امام راغب رحمه الله فرموده که چون حمد حقیقی بذات معبود حق مخصوص شده
بصفات جمیله جلیله نزه بعد از آن موصوف و مذکور گشت تعلق گرفت علم و معرفت عباد بمعبودی عظیم الشان قوی السلطان واضح
البرهان و شهود دیدهٔ بصیرت ایشان شد و بدان سبب صفات مضافات را بشرف مناجات مبادل گردانید و از رتبه
مذاکره بدرجه مخاطبه ترقی نموده معلوم و مشهود خود را مخاطب ساختند و با پیشهٔ تضرع و ابتهال بحضرت ذوالجلال این راز آغاز
نهادند که ایاک نعبد و ایاک نستعین و آنچه فناری فرموده که علم تام بصفات غایب و توجه نفس بدان وجهی که استیفا
جمیع جهات کند بشرط دوام و استمرار آن توجه غایب را کالمخاطب میسازد و در بعضی سور واقع میتواند بود چنانچه افرایت من
اتخذ الهه هواه و درین صورت چون احاطه علم بکنه صفات و نفس توجه محیط گشتن بجمیع جهات ممکن نیست مناسب آن
تواند بود که گویند مذکور بدین صفات کمال از غایت محض افضال منشا و عفت و عطای کثرت از دیدهٔ شهود ذاکر برسید آن
تا غیبت بحضور مبدل گشته اند که مغایب میدانست مخاطب می پندد پس کشف حجاب و رفع نقاب و تبدیل غیبت
بخطاب هم از حضرت رب الارباب باشد و بس بیت روی پوشیده و هم از پرده برون میگردی : پرده بردار که دایم
سرهای پرده دری : در انوار آورده که این اسلوب اولست بر اختصاص ترقی از برهان ببیان و انتقال از غیبت بشهود و تبدیل

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)